

تدابیر ائمه علیهم السلام در حج

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

روح اله حیدری چمگردانی*

چکیده

حج یکی از ارکان اصلی اسلام است که شاهد تحولات فراوانی بوده است. حج عبادتی است که با دیگر عبادات تفاوت دارد؛ زیرا شاهد اجتماع بزرگی از همه قومیت‌ها و مذاهب اسلامی است. طبق بیان ائمه علیهم السلام روح حج با ولایت آمیخته است و حج بدون ولایت اهل بیت علیهم السلام عبادت کاملی نیست. از آنجا که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله حج دستخوش تغییرات فراوانی از لحاظ عبادی، سیاسی و فرهنگی شده است، سیره ائمه علیهم السلام می‌تواند بهترین راهگشا برای مسلمین باشد. ما با روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیدیم که سیره اهل بیت در حج، سیره‌ای عبادی-سیاسی بوده و ایشان از این اجتماع عظیم برای بیان حقائق اسلام و حقانیت ولایت اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کردند و سیره فراموش شده پیامبر صلی الله علیه و آله را احیا می‌نمودند.

واژه‌های کلیدی: اهل بیت علیهم السلام، ائمه علیهم السلام، سیره، حج، تدابیر در حج.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

منشاء بسیاری از تحولات مهم در جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون، دین و ارکان آن است. یکی از این ارکان در اسلام حج است که توانسته هم بر جامعه تاثیر بگذارد و هم از آن تاثیر بپذیرد. عبادتی که برای انجام آن مسلمانان با هر قومیت و ملیتی از اقصا نقاط زمین گرد هم جمع می‌شوند. پس از نبی مکرم اسلام ﷺ و با توجه به استقرار حکومت‌های یکپارچه و وسیع با عمری طولانی در مناطق اسلامی، حج و به تبع آن مکه و حجاز در کانون بسیاری از تحولات و مسائل قرار گرفت. اهمیت آن به حدی بود که حاکمان اسلامی برای در دست گرفتن آن، اقدام به فعالیت سیاسی و امنیتی و حتی نظامی می‌نمودند. در کنار حکومت‌ها و فعالیت آنها، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، سیره اهل بیت پیامبر ﷺ است. اهل بیت پیامبر ﷺ اهمیت ویژه‌ای برای حج قائل بودند و نگاه ویژه‌ای به آن داشتند. این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است. در سیره اهل بیت ﷺ حج نه تنها یک فریضه الهی است بلکه عبادتی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است و ائمه شیعه از آن جا که خلافت را حق خویش می‌دانستند در اجتماع عظیم حج، فعالیت‌هایی در بیان حقائق و روشن شدن افکار انجام می‌دادند. ایشان بر خلاف دولت‌های حاکم که بیشتر به عمارت و نشان دادن قدرت در راستای حج توجه داشتند، اهتمام خویش را بر مسئله عبادی - سیاسی بودن حج قرار دادند. همچنین آنان در این کنگره بر تبیین سیره فراموش شده پیامبر ﷺ، کمک به شیعیان و همچنین عبادت خالصانه الهی توجه ویژه‌ای داشتند. سوال اصلی ما این است که تدابیر ائمه ﷺ در حج گزاری چگونه بوده است؟ این موضوع در دو گفتار؛ تدابیر در روش حج گزاری ائمه ﷺ و تدابیر ائمه ﷺ در مواجهه با مشکلات بیان شده است.

مفاهیم

تدبیر

واژه «تدبیر» از ماده «دَبَّر» و «دَبَّر» به معنای پشت هر چیز و عقب است، چنان که در قرآن کریم آمده است. «تدبیر» تنظیم امور و ترتیب کارها و سامان دادن امور به بهترین نحو و استوارترین سازوکار است تا امور به عاقبت نیکو و نتیجه مطلوب برسد؛ و «تدبَّر» تحقق «تدبیر» و عاقبت اندیشی و اندیشیدن است. تدبیر در لغت، به معنای دوران‌اندیشی و نظر به عاقبت امر داشتن است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۵۷)

اهل بیت

اهل بیت در لغت به معنای ساکنان خانه‌ی فرد و نزدیکان او است. ابن حیان اهل بیت را خواص شخص معنا کرده است. وی می‌گوید: «أهل الرجل: زوجته وأخص الناس به». (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۹) اهل بیت در اصطلاح مسلمانان به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸، ق، ص ۲۹)

حج

حج در لغت به معنی قصد همراه با حرکت است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۹) همچنین قصد کردن چیزی را گویند. (جوهری، ۱۴۰۷) در اصطلاح اسلامی، معنای حج، قصد زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج در ایام معین می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸، ق، ص ۱۰۷)

تدابیر در روش حج‌گزاری ائمه علیهم السلام

ولایت امام، ارزش دهنده حج: وقتی که امامان معصوم علیهم السلام، وارثان پیامبر صلی الله علیه و آله و احیاگر سنت آن حضرت باشند، روشن است که روش دینداری و چه باید کرد را هم باید از آنان آموخت. پذیرش امامت و ولایت و هدایت آنان؛ دین و عبادات و احکام را

در مسیر حق قرار می‌دهد. در واقع، روح اعمال مذهبی و تکالیف شرعی، ولایت آنان است.

در روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده است که بر مردم لازم و سزاوارست که کعبه را زیارت کنند و ما را به خاطر بزرگداشت خدا، بزرگ بدارند و ما را در هر جا که باشیم، دیدار کنند، ماییم راهنمایان به خدا. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۷۹)

ولایت، روح حج: احادیث فراوانی وجود دارد که حج بدون ولایت، بی حاصل بوده و سودی نخواهد داشت؛ زیرا اگر چه یکی از مبانی اسلام حج است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷) لکن هیچ یک از نماز و روزه و زکات و حج، همانند ولایت، رکن استوار اسلام نیست. در جوامع روایی آمده که هیچ دعوتی از طرف خداوند به اندازه دعوت به ولایت و امامت نمی‌باشد: «و لم یناد احد مثل ما نودی بالولاية». (الکافی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸)

این امر نشان دهنده آن است که امام و حج رابطه مستقیم دارند. انجام اعمال حج بدون امام معنایی ندارد و حج بدون امام، حج واقعی نیست. ابو حنیفه به این امر اعتراف می‌کند و می‌گوید: اگر جعفر بن محمد علیه السلام نبود مردم مناسک حجشان را نمی‌دانستند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۱۹)

تدابیر در روش حج‌گزاری و مقابله با سیاست خلفا: در روش ائمه علیهم السلام در موضوع حج در زمان خلفا، دو جنبه به طور برجسته قابل مشاهده است: یکی جنبه عبادی و دیگری جنبه سیاسی. جنبه سیاسی و انتقادی از آن روی اتفاق می‌افتاد که حج بهترین مکان برای تبلیغات ائمه علیهم السلام بود؛ زیرا از همه نقاط سرزمین اسلامی، مسلمانان حضور می‌یافتند.

به طور کلی می‌توان فعالیت ائمه علیهم السلام در حج را به سه دوره تقسیم کرد:

- دوره خلفاء سه گانه؛

- دوره خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام؛

- دوره دیگر ائمه علیهم السلام.

حج در زمان امامان معصوم علیهم السلام

امامان معصوم- به تعبیر امام سجاد علیه السلام - فرزندان راستین مکه و منا و کعبه و پاسدار روح کعبه هستند و با حضور فکری و تبلیغی و عینی خود، در حفظ و حراست حج، از هیچ گونه تلاشی مضایقه نداشتند. ائمه علیهم السلام در طول زندگی، اصرار بر حضور شخصی خود در حج داشتند که سفرهای متعدد امامان و سخنرانی‌های آنها در مواضع مختلف حج، گویای حساسیت ایشان بر مسأله حج است و از هر فرصت مناسب در مسجدالحرام و عرفات و... استفاده نموده و به تشکیل جلسه و ایراد سخنرانی می‌پرداختند.

روایات و احادیث نقل شده از امامان معصوم علیهم السلام درباره اهمیت حج، شاهدی گویا بر اهمیت و عظمت این فریضه الهی و از سوی دیگر نشانه اهتمام ائمه بر حفظ و حراست حج از هرگونه تحریف است؛ و بنا به روایات مختلفی امام زمان (عج) در عصر غیبت- هر ساله- در مراسم حج شرکت می‌نمایند، چنان‌که از امام صادق علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۵۱) و از محمدبن عثمان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۵۱) نائب خاص امام زمان (عج) روایاتی نقل شده است. (میقات حج، ش ۲۰، تابستان ۱۳۷۶)

- اول: حج امیرالمؤمنین علیه السلام: تعداد حج‌های حضرت به طور دقیق مشخص نیست. ایشان در دوران خلافت حج به جا نیاوردند. دیاربکری می‌نویسد: «ما يعلم عدد حج علی قبل ولایته و فی زمن ولایته اشتغل عن الحج و لم یزل علی فی حرب و لم یحج فی سنی خلافته لاشتغاله بالحروب». (دیاربکری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۷) علت آن نیز همان گونه که آورده شد، مشغول بودنشان به جنگ‌های سه گانه بود.

برائت از مشرکین

یکی از مهمترین اقدامات امیرالمؤمنین علیه السلام در حج، ابلاغ آیات برائت از مشرکین بود. ابلاغ آیات برائت به خواندن آیات برائت توسط امام علی علیه السلام در سال نهم قمری در اجتماع مشرکان مکه اشاره دارد. این واقعه از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام به شمار می‌آید. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۶۵. خوارزمی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۶۵) علامه امینی در الغدیر آورده است که این واقعه در منابع مختلف شیعه و اهل سنت نقل شده است. (امینی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۳۸ - ۳۴۱)

دوره خلفا سه گانه

در زمان خلفاء راشدین، نگاه حضرت امیر علیه السلام گاهی انتقادی و گاهی عبادی محض بود. به همین دلیل ایشان در بسیاری از مواضعشان، مردم را فقط به سمت عبادی بودن حج سوق می‌دهند و آنها را از عمال و حکام و امیرالحاج‌ها برحذر می‌دارند. ایشان درباره نذر برای کعبه می‌فرمایند: اگر دو رودخانه از طلا و نقره داشته باشم هیچ چیز به کعبه اهدا نخواهم کرد، زیرا به پرده‌داران ناشایست می‌رسد نه به مساکین و مستمندان. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۶، ص ۶۷) این امر نشان می‌دهد که حضرت امیر علیه السلام از والیان مکه و مسجد الحرام رضایت نداشتند و این امر را نیز به مردم تذکر می‌دادند.

احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره خلفا

احیای سنت در محرم شدن

امام علیه السلام در درگیری خود با عثمان درباره محرم شدن به عمره در ایام حج و یا محرم شدن به عمره و حج با هم درباره رعایت سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من به خاطر هیچ کس سنت آن حضرت را رها نمی‌کنم. (النمیری، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۱۰۴۴ - ۱۰۴۳) همچنین یک سال از سال‌هایی که عثمان در منی نمازش را تمام می‌خواند، مریض شد. در آنجا از امام خواست تا به جای او نماز بخواند. امام فرمود:

اگر او نماز بخواند همچون پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد خواند. عثمان گفت: خیر، همان طور که من نماز می خوانم. امام درخواست او را رد کرد. (الصنعانی، بی تا، ص ۵۰) امام خود می فرمود، اگر من از میان شما غایب شوم چه کسی هست که به این سیره در میان شما عمل کند؟ (الصنعانی، ۱۳۹۲ ق، ج ۱۰، ص ۱۲۴)

احیای سنت در استلام حجر

از امام صادق علیه السلام روایت است: عمر بن خطاب از کنار حجرالاسود گذشت و گفت: «به خدا قسم، ای سنگ! می دانیم تو سنگی بیش نیستی و نفع و ضرری نداری. فقط شاهد بودیم رسول الله تو را دوست داشت. ازین رو ما نیز تو را دوست داریم». امیر مؤمنان فرمود:

«ای پسر خطاب! چگونه چنین می گویی؟ به خدا سوگند! در روز قیامت، خداوند حجرالاسود را در حالی بر می انگیزاند که زبان و لب دارد و به سود آن که بدان احترام کرده، شهادت می دهد. با این سنگ، خداوند عزّ و جلّ زمینیان را قسم می دهد و با آفرینندگانش بیعت می کند». (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳، ص ۳۲۰)

دوره خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام

امرای مکه در عهد خلافت علی علیه السلام

در سال ۳۵ هجری چون حضرت به خلافت رسیدند، اوضاع و احوال والیانی که بر مکه و سایر شهرها حکومت داشتند را مورد تجدیدنظر قرار داد. خالد بن عاص مخزومی را که گماشته عثمان بود از مکه عزل کرد و «ابوقتاده انصاری» را به جای او گماشت. (تاریخ امرای مکه، ص ۱۱۰)

در سال ۳۷ عییدالله بن عباس به امارت حج گذاشته شد. والی مکه و طائف هم قثم بن عباس بود. قثم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شباهت داشت. (ابن عبد البر، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۹۴. العسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۷۸)

در سال ۳۸ ق قثم بن عباس به امارت حج منصوب گردید، او از طرف علی علیه السلام حاکم مکه بود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۲) سپس «معبد بن عباس» و پس از وی «جاریة بن قدامة السعدی» والی شدند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۱۶ تا ۱۲۰)

انتخاب افراد مؤمن و کار آمد از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام برای امارت حج، علاوه بر اهتمام حضرت به حج، نشانی از اعتراض ایشان به سیاست خلفای ماقبل از خودشان نیز بود؛ زیرا انتخاب امارت حج در دوران خلفا مبتنی بر شایسته سالاری نبود. به خصوص در دوره عثمان که روحیه خویشاوند سالاری حکم می کرد.

با تسلط معاویه بر خلافت شام، امرایی از شام منصوب می شدند. «مغیره بن شعبه» از طرف معاویه امیر الحاج شد و برای این که ابتکار امارت را به دست داشته باشد و امیر دیگری از طرف امیرمؤمنان علیه السلام سرپرستی حجاج را به دست نگیرد، اعمال حج و وقوف در عرفات و اعمال منا را یک روز مقدم داشت و روز هشتم به عرفات رفت و روز نهم را در منا قربانی کرد و سایر اعمال روز عید را به جا آورد که این بدعت مورد اعتراض جمعی از مسلمانان قرار گرفت. از جمله عبدالله بن عمر از او تخلف کرد و گروهی از مردم با وی همراهی نکردند و یک روز بعد از او اعمال حج را به جا آوردند. (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۳۲) یکی دیگر از امرای مکه «بسر بن ارطاط» بود که به شهر مکه حمله برد و «معبد بن عباس» را که از سوی امیرمؤمنان علیه السلام امارت داشت از مکه طرد کرد و با قهر و غلبه امارت مکه را به دست گرفت. (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۵، ص ۱۴۰)

ارسال جامه کعبه

یکی از مسائل پر بحث میان مورخان، فرستاده شدن جامه کعبه یا عدم آن در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

سابقه پوشش کعبه به زمان پیغمبر و خلفا بر می‌گردد: «اما علی بن ابی طالب علیه السلام را هیچ یک از مورخان یاد نکرده‌اند که جامه‌ای را بر کعبه قرار داده باشد. آنان علت این مطلب را درگیری آن حضرت در جنگ‌ها و فتنه‌های داخلی دانسته‌اند». (میقات حج، شماره ۲۵، ص ۹۱، ازرقی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۵۲) این در حالی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام عکس آن آمده است.

در کتاب معتبر «قرب الاسناد» تألیف محدث ثقه «عبدالله بن جعفر حمیری» (از دانشمندان اواخر سده سوم هجری) از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «علی علیه السلام پرده کعبه را همه ساله از عراق می‌فرستاد». (حمیری، چاپ سنگی، بی تا، ص ۶۵) علی علیه السلام در زمان خلافتش در عراق بوده است و درگیری آن حضرت در جنگ‌ها و فتنه‌های داخلی، مانع از آن نبوده است که آن حضرت ارسال پرده خانه خدا را فراموش کند، آن امام هر سال پرده کعبه را از عراق می‌فرستاد تا کعبه را با آن پوشش دهند.

- دوم: حج در دوره دیگر ائمه علیهم السلام: سیره ائمه علیهم السلام در حج بیشتر سیره عبادی است؛ اما همین سیره عبادی ابعاد سیاسی نیز دارد. درباره ویژگی‌های عبادی ائمه علیهم السلام مطالبی نقل شده است. از جمله درباره سفرهای حج امام حسن علیه السلام که پیاده انجام شده، آمده است: «من شرم دارم خداوند را ملاقات کنم در حالی که پیاده به خانه او نرفته باشم. پس بیست بار با پای پیاده به زیارت خانه خدا رفت». (ابونعیم اصبهانی، ۱۹۳۴ م، ج ۱، ص ۴۴) در نقل دیگری آمده است که آن حضرت بیست و پنج بار با پای پیاده به سفر حج رفت. (السیوطی، تاریخ الخلفاء، ۱۳۷۱ ق، ص ۷۳) ابن سعد در نقل خود پانزده بار ذکر کرده است. (ابن عدیم، ترجمه الامام الحسین، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۵۹) ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که امام حسن علیه السلام چون به حج می‌رفت پیاده می‌رفت و گاه بود که پا برهنه می‌رفت. (المجلسی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۳)

این امر نه به آن دلیل بود که ایشان مرکبی نداشتند، بلکه در همان روایت است که امام حسن علیه السلام بیست حج پیاده کرده بود، محمل‌ها و شتران آن جناب را از عقب او می‌کشیدند. (رسولی محلاتی، بی تا، ص ۴۸۶) از امام باقر علیه السلام روایت شده است که امام حسین علیه السلام نیز برای حج، پیاده سفر می‌کردند در حالی که چهارپایان او پشت سرش حرکت می‌کردند. (ابن عدیم، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۴۶)

نسبت دادن خویش به مکه و منی

امامان معصوم علیهم السلام خود را منسوب به این مکان با عظمت می‌نمودند. آنها در معرفی خویش به این نکته اشاره داشته و به این مسئله افتخار می‌کردند.

امام حسن مجتبی علیه السلام:

روزی به معاویه گفتند: امرکن حسن بن علی را که بر منبر برآید و خطبه بخواند تا بر مردم نقص او ظاهر شود، پس آن حضرت را طلبید گفت: بر منبر بالا رو و ما را موعظه کن. پس حضرت بر منبر برآمد حمد و ثنای الهی به جا آورد، پس فرمود: «ایها الناس هر که مرا شناسد، شناسد و هر که مرا نشناسد منم حسن بن علی... منم فرزند رکن و مقام، منم فرزند مکه و منی، منم فرزند مشعر و عرفات». (المجلسی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۴)

امام سجاد علیه السلام:

ایشان خطبه‌ای در کاخ یزید خواندند که از معروف‌ترین خطبه‌های ائمه می‌باشد. (جعفر عباس حائری، ص ۹۸) در این خطبه می‌فرمایند: «من فرزند مکه و منی، زمزم و صفا هستم». (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۷۳)

در توضیح این صحبت‌ها می‌توان چند احتمال را مطرح کرد:

الف) این مطلب به معنای من فرزند مناسک حج هستم، می‌باشد. با این تفسیر که مناسک حج به عنوان یک منسک توحیدی بوده و توحید در خون و گوشت ایشان

جریان دارد، بیشترین ارتباط را که ممکن است با حج و مناسک توحیدی باشد، در وجود ایشان است.

ب) همچنین امام در صدد است اثبات نماید که من فرزند ابراهیم خلیلم. (خسروی، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۱۶)

ج) احتمال دیگر این است که حضرت سعی کردند خود را فرزند کسی معرفی کنند که مناسک ابراهیمی را احیا کرد یعنی من فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستم.

ابراز صریح مخالفت با اقدامات خلفا

یکی از اقداماتی که ائمه علیهم‌السلام در حج به طور گسترده انجام می‌دادند، مخالفت صریح با دستگاه حکومتی بود. بسیار اتفاق می‌افتاد که ائمه علیهم‌السلام مستقیم با خلیفه و یا عمال وی ابراز مخالفت می‌کردند و در بسیاری از مواقع بدون آن که فردی از دستگاه حکومتی حضور داشته باشد، روشنگری عمومی می‌نمودند.

امام حسین علیه‌السلام هنگامی که وارد مکه شدند مردم شهر و حتی ابن زبیر که خود داعیه رهبری داشت در نماز امام و مجلس حدیث او شرکت می‌کردند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۳۷) در آن جا امام با افراد و شخصیت‌های مختلف در تماس بود و علل عدم بیعت خود با یزید را بیان می‌کرد. (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲)

خطبه‌های شدیدالحن در مقابل خلفا

دو سخنرانی مهم در حج درباره مسائل سیاسی - اجتماعی، یک دعای کم نظیر در عرفه و خروج از مکه در ایام حج، میراث گرانبهای حسینی است. (میقات حج، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، ج ۴۲، ص ۳۵) محور یکی از سخنرانی‌های حضرت (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۷۸۸) که به عنوان خطابه‌ای در سرزمین منا نقل شده، «انتقاد شدید از حکومت بنی امیه و شخص معاویه» و «حق ائمه هدی علیهم‌السلام در امر حکومت» است.

سخنرانی دیگر آن حضرت در «تحف العقول» نقل شده است. این سخنرانی که به نظر حضرت امام خمینی (ره) و بعضی از حدیث شناسان (امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲) در سرزمین منا و در جمع علما و دانشمندان اسلامی آن عصر ایراد شده، حاوی نکات بسیار مهمی است. «جایگاه امر به معروف و نهی از منکر»، «مقام و منزلت علما در جامعه اسلامی»، «وضعیت اسفبار جامعه در اثر حاکمیت بنی امیه» و «رسالت امام در جهت به دست گرفتن حاکمیت» از محورهای مهم آن است.

در منابع تاریخی آمده است که امام حسین علیه السلام در کنار مراسم حج، در سرزمین منی همه بنی هاشم و شیعیان و افراد برجسته انصار را به یک گردهمایی دعوت کرد. بیش از هزار نفر، در محضر آن حضرت، اجتماع کردند. حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیه از تابعین بودند. امام حسین علیه السلام در آن اجتماع، برخاست و سخنرانی پرشوری کرد. (الطبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۸ و ۱۹)

امام علیه السلام با اشاره به اوضاع اسفناک اجتماعی، برخورد ظالمانه معاویه را به شیعیان یادآور شد و به آنان سوگند داد، چنان که آن حضرت را بر حق یافتند، به خاطر بسپارند و پس از بازگشت به شهر و دیار خود، به کسانی که اطمینان دارند، منتقل کنند و مردم را به احیای حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در امر حاکمیت جامعه فراخوانند. (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ ق، ص ۷۸۷، نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷، ص ۲۹۰)

محور سخنان امام حسین علیه السلام را می توان در این امور خلاصه کرد:

الف) مسلمان ندانستن اصحاب معاویه: در بخشی از خطبه امام علیه السلام به معاویه گفتند که: ای معاویه اگر ما شیعه ترا مقتول گردانیم هرگز بر آن طایفه کفن نپوشانیم و نماز نگذاریم و دفن نماییم. (غفاری مازندرانی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲۴)

ب) معرفی خودشان به عنوان اصل دین: امام فرمودند: دین واللّه، علی و پسر علی است که با پدرت حرب نمود تا آنکه او را به اسلام در آورد و دین اسلام را قوی گردانید که امروز تو و جمعی که پیش از تو بودند به دعوی اسلام به سایر انام حکومت کردند. (غفاری مازندرانی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲)

ج) ذلیل دانستن بنی امیه: و اگر علی و اولاد او نبودندی شرف تو مثل شرف پدرت می بود که دو بار رحلت به غربت به واسطه عسرت نمود، الحال، علی، آن عسرت را از شما رفع نمود و آلا تو و پدرت و سایر بنوامیه را دعوی ایالت و حکومت جایز نبود.

د) لزوم جهاد با بنی امیه: و من چون نظر به نفس و اولاد خود و امت جدّم رسول صلی الله علیه و آله می کنم و هیچ امری افضل از جهاد با تو نمی دانم؛ و اگر با تو جهاد و جدال نمایم البتّه آن محض قربة الی الله عزّوجلّ و دفع شرّ تو از امت حضرت خاتم الرّسل است.

ه) بیان وضعیت اسف بار زمان معاویه: این گونه سخن گفتن امام، از یک نکته تأسف بار حکایت دارد و آن مظلومیت ائمه علیهم السلام است. شخصیتی چون امام حسین علیه السلام برای اثبات جایگاه اهل بیت پیامبر، به شهادت اصحاب و تابعین متوسّل شده است. (میقات حج، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، ج ۴۲، ص ۴۰)

ز) توصیه به مسلمین برای بیان حقایق و ظلم دستگاه حکومتی به دیگران: ایشان فرمودند: الحال مقال مرا استماع نمایند و بعد از شنیدن قول من کتمان آن بر خود لازم و عیان دانید و چون معاودت به شهر و دیار و قبایل خود نمودید به جمعی که موثّق به ایشان باشید، آن جماعت را به نزدیک خود بخوانید و آنچه دانید و از ما می دانید تعلیم نمایید. (غفاری مازندرانی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲۱)

مشروع ندانستن حکومت خلفا

اگر کسی تصور کند که ائمه هشت گانه از امام سجاد تا امام حسن عسکری علیهم السلام فقط به ذکر احکام و معارف دین پرداخته اند و مبارزه سیاسی متناسب نداشته اند، به

حتم غور کافی در زندگی این بزرگواران نکرده است. (مقام معظم رهبری، دی ماه ۱۳۹۷، ص ۷۶)

ائمه علیهم السلام در مسایل سیاسی بر اساس ملاک‌ها و مبانی خود موضع‌گیری داشته و در برخورد با مسائل اجتماعی و سیاسی، به ارشاد پیروان و گاهی سران حکومت می‌پرداختند؛ مثلاً در منابع آمده است که هشام بن عبدالملک در موسم حج در مسجد الحرام، امام باقر علیه السلام را دید که در حال طواف است و مردم بر گردش حلقه زده، از او سؤال می‌کنند. این توجه و علاقه مردم نظر او را جلب کرد، از اطرافیان نام وی را پرسید و چون گفتند که او محمد بن علی است، شگفت زده، گفت: «همان که مردم عراق فریفته اویند». (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۲۰، ذهبی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۴۰۵، مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۳)

از این گزارش برمی‌آید که حرکت امام باقر علیه السلام در دعوت به سوی امامت اهل بیت و معرفی مقام و نقش آنان در دین و نیز نفی حقانیت خلافت اموی که هشام از آن به ایجاد اختلاف در میان امت تعبیر کرده است حرکتی گسترده و غیر قابل انکار بوده و لااقل در بخشی از سرزمین اسلامی تأثیر جدی گذاشته بوده است.

امور سیاسی در سطح عالی و کامل در یکایک دستورهای حج، جریان دارد و آنان که منهای توجه به جنبه‌های سیاسی حج، به انجام مراسم حج می‌پردازند، حج را از محتوای آن خارج کرده و هیچ‌گونه بهره صحیح از آن نمی‌برند؛ اما امام باقر علیه السلام که به روح حج توجه داشت و حج بوجهلی را با حج ابراهیمی، کاملاً تشخیص می‌داد، به ابوبصیر فرمود: «بَلْ مَا أَكْثَرَ الصَّحِيجِ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجِ»: بلکه گریه کننده بسیار است، اما حاجی اندک. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۱۸۴، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۷۹) نظیر این مطلب، از امام صادق و امام سجاد علیهم السلام نیز گزارش شده است (البحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۱).

اختصاص حکومت به امام

تمام نزاعی که در طول زندگی ائمه علیهم السلام با دستگاه‌های ظلم مشاهده می‌شود بر سر قضیه مشروعیت حکومت بود. اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند و لو علم اولین و آخرین را به خودشان نسبت می‌دادند و اگر بحث قدرت سیاسی نبود هیچ گونه تعرضی نسبت آنها انجام نمی‌گرفت. لذا در بین دعوت‌ها و تبلیغات ائمه علیهم السلام روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بالایی وجود دارد. (مقام معظم رهبری، دی ماه ۱۳۹۷، ص ۲۵)

وقتی که امام صادق علیه السلام می‌خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند در روز عرفه در صحرای عرفات در اجتماع مردم می‌گوید: امام جامعه و پیشوای آن و حاکم بر جامعه، رسول خدا بود، سپس می‌گوید: علی بن ابی طالب امام بود و ... تا می‌رسد به خودش. (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۳۰، کلینی، ۱۴۰۷ ق، کتاب الحج، حدیث ۱۰) یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و در مبارزات همین مسئله حکومت و حاکمیت بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. بر سر مقامات معنوی که آنها با ائمه دعوایی نداشتند.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که امام در مواردی به این بسنده نمی‌کند که امامت را برای خویش اثبات کند بلکه همراه نام خود، نام امامان به حق پیشین خود را نیز یاد می‌کند. در حقیقت سلسله امامت اهل بیت را متصل و جدایی ناپذیر مطرح می‌سازد. امام با صدای هر چه بلندتر پیام خود را سه مرتبه تکرار کرد، روی را به طرف دیگری گرداند و باز هم سه مرتبه هم آن سخن را ادا کرد، بدین ترتیب به چند سو امام پیام خود را رساندند. پیام با این عبارات بیان می‌شد: «یا ایها الناس ...». (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۳۰، کلینی، ۱۴۰۷ ق، کتاب الحج، حدیث ۱۰) یعنی مخاطب من همه مردمند. (مقام معظم رهبری، دی ماه ۱۳۹۷، ص ۲۱۹)

همچنین امام صادق علیه السلام در مقابل هشام بن عبدالملک خطبه‌ای قراء که حاکی از برتری بنی هاشم بر امویان بود فرمودند: «سعادت‌مند کسی است که از ما تبعیت کند و شقی و بدبخت کسی است که با ما دشمنی کند و با ما مخالفت نماید». (طبری، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۳۳)

مبارزه منفی

یکی از روش‌های ائمه علیهم السلام در برخورد با حکومت جور، مبارزه منفی علیه آن بود. نمونه بارز آن نهی امام کاظم علیه السلام به صفوان جمال بود که حتی برای حج هم شترانش را به هارون کرایه ندهد. (هاشم معروف الحسنی، ۱۳۸۲ ق، ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳، کشی، ۱۳۴۸ ش، ص ۴۴۱)

حج با پای پیاده

از دیرباز زائران بیت‌الله الحرام، در هر مقامی که بودند، حتی زمامداران و ملوک، تذلل و خضوع خود را در زیارت کعبه به نمایش می‌گذاشتند و این سرزمین محل خلع سلاح قدرتمندان بوده است. به گفته فاکهی، در روایات تاریخی آمده که: «ذوالقرنین پیاده آهنگ حج کرد، چون ابراهیم علیه السلام این را شنید به استقبال وی آمد». (ازرقی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۹۶) با روی کار آمدن خلفای اموی و عباسی، بار دیگر اشرافیت جاهلی به اجتماع بازگشت. (رهبر، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰)

در بسیاری از اخبار آمده که امامان، از جمله امام حسن علیه السلام (شوشتری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۱۲۳) و امام حسین علیه السلام (ابن عبدربه، ۱۳۸۴ ق، ج ۴، ص ۳۸۴ نقل از حج الانبیاء و الائمة، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۶۲) و امام سجاد علیه السلام (المفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۴۴) با پای پیاده به حج می‌رفتند، همچنین امام کاظم علیه السلام همراه اهل و عیال پیاده به حج مشرف می‌شدند. در حالی که مرکب ایشان نیز با ایشان بود. (القرشی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۴۴)

سوال این است که چرا امامان که وقتشان پر ارزش ترین و عبادتشان کامل ترین بوده، با پای پیاده به حج می‌رفتند؟ می‌توان گفت ائمه علیهم السلام از این کار هم غرض سیاسی داشتند و هم غرض عبادی. در اینجا به برخی از حکمت‌های آن کار اشاره می‌کنیم:

- حکمت اول: بیان اهمیت حج؛ آیا اگر ائمه علیهم السلام تنها به تبلیغ زبانی درباره اهمیت حج می‌پرداختند و عملی در این راستا انجام نمی‌دادند جای این سؤال نبود که اگر حج پیاده این همه ثواب دارد چرا خود آنان اقدام نکردند؟ پس مسافرت‌های متعدد ائمه علیهم السلام برای انجام مراسم حج به صورت پیاده یک تبلیغ عملی مؤثر بوده است.

به خصوص امام علیه السلام با اینکه مرکب مناسبی همراه داشتند، سوار نمی‌شد و خودشان پیاده و مرکب هم بدون سوار همراه قافله حرکت می‌کرد و نشانگر این است که اگر امام پیاده به حج می‌رود نه از این جهت است که امکانات ندارد و مجبور است که پیاده راه را طی کند، بلکه بخاطر ثواب و اهمیتی است که در این عمل وجود دارد.

- حکمت دوم: ائمه علیهم السلام مرد عمل بودند. به آنچه که از جانب خدا و پیغمبر به آنان رسیده بود، اعتقاد و یقین داشتند و اگر چیزی را به مردم می‌فرمودند قبل از همه خود بدان عمل می‌کردند و بهتر از همه خود به جا می‌آوردند.

- حکمت سوم: از نظر اجر و پاداش، روایات زیادی داریم که می‌فرماید: «افضلُ الاعمالِ احْمَرُّها» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۸۳) آن حجی که انسان با پای پیاده و در هوای گرم انجام می‌دهد، مسلماً در پیشگاه معبود ارزش بیشتری دارد از آن حجی که انسان سواره خود را به مکه برساند.

- حکمت چهارم: همراهی با اقشار ضعیف جامعه؛ مسلماً در بین مسلمانان افراد زیادی علاقمند به حج بودند که از امکانات کمی برخوردارند و ممکن است وقتی

خود را با اغنای جامعه مقایسه می‌کنند که با چه امکاناتی به حج می‌روند، احساس حقارت کرده و به این عمل اقدام نکنند. روش پیاده ائمه علیهم‌السلام و در مواردی به صورت خدمتگزار کاروان‌های حج، به حج مشرف می‌شدند، یک جواب عملی به این اقشار کم در آمد و علاقمند به حج بود.

- حکمت پنجم: حکمت سیاسی؛ از آن جا که حکام در مسئله حج بیشتر به عمران شهرهای مکه و مدینه اهمیت می‌دادند و هر گاه برای حج به سفر می‌رفتند، بسیار تشریفاتی عمل می‌کردند، حج پیاده ائمه علیهم‌السلام ردیه‌ای بود بر این طریقه حج گذاری؛ زیرا این عمل خلفا بر روی مردم نیز اثرگذار بود و ائمه علیهم‌السلام به دنبال احیای اسلام واقعی بودند.

معرفی خود به عنوان اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

در سخنرانی معروف امام حسین علیه‌السلام در کنگره حج این معرفی به خوبی مشاهده می‌شود. امام در این سخنرانی، از اقدامات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گوید: عقد اخوت میان خود و علی علیه‌السلام، بستن در منازل همه به مسجد جز در خانه علی علیه‌السلام به امر الهی، نصب علی علیه‌السلام به جانشینی خود در غدیر خم، ماجرای مباحله، حدیث منزلت، سپردن پرچم به دست علی علیه‌السلام در جنگ خیبر، اعزاز علی علیه‌السلام برای ابلاغ سوره براءت، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۱۸۲) و اینکه همه روزه با علی علیه‌السلام خلوت می‌کرد و هر شب بر او وارد می‌شد و به دخترش فاطمه می‌فرمود: «تورا به بهترین اهل بیتم تزویج کردم». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۱۸۲) علی را مأمور غسل خود کرد و فرمود که جبرئیل او را یاری خواهد نمود و در آخرین سخنرانی خود، کتاب خدا و اهل بیتش را به عنوان «ثقلین» از خود به جا نهاد و... (میقات حج، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، ج ۴۲، ص ۴۰) در همه موارد اصحاب و تابعین شهادت دادند که آن‌ها را شنیده‌اند. (حرّانی، ۱۳۶۳، ش، ص ۲۷۱)

در بحثی که بین امام باقر علیه السلام و عبدالله بن معمر الیثی در مقابل هشام بن عبدالملک در ایام حج درباره متعه صورت گرفت، عکرمه به امام گفت: یابن رسول الله، من در مجالس فراوانی با ابن عباس و غیر او مجالست کردم ولی درک نکردم آن چه را که الآن از شما درک کردم. امام در جواب فرمودند: «ویلک یا عبید اهل الشام، انک بین یدی ُیُوتِ اللّهُ اَنْ تُرْفَعَ وَ یَذْکُرَ فِیْهَا اسْمُهُ». (محسن الامین، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۶۵۳) هنگامی که امام کاظم علیه السلام کنار کعبه بودند در مقابل هارون، خودشان را با استدلال به حضرت عیسی علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کردند. (الشوشتری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۹، ص ۵۴۸)

نصب و شهادت حجر

در این باره دو مرتبه از امام سجاد علیه السلام نصب حجر نقل شده و همچنین از امام زمان (عج) نیز نقل شده است.

در سال ۶۴، کعبه مورد حمله سپاهیان یزید قرار گرفت و برخی از قسمت‌های آن در آتش سوخت. حجرالاسود سه تکه شد و بعدها عبدالله بن زبیر پاره‌های جدا شده آن را با نقره به هم وصل کرد. در این جریان امام علیه السلام جلورفت و پی ساختمان کعبه را به دست خود بنا کرد. سپس امام کارگران را صدا زد و امر فرمود دیوارهای کعبه را بچینند. بعد از بنای کعبه، هر کس می‌خواست حجر را نصب کند، نمی‌توانست و حجر هر بار می‌افتاد. (فوزیه حسین مطر، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۳ - ۱۰۹) در این هنگام امام علیه السلام جلو آمد، حجر را برداشت، نام خداوند را بر زبان جاری کرد و آن را نصب نمود. (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۲۳) سنگ بر جای خود باقی ماند. (حسین مطر، ۱۴۰۲ ق، ص ۱۰۳ - ۱۰۹، ازرقی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۴)

بنابر گزارشی، عبدالملک بن مروان نیز به بازسازی و ترمیم کعبه پرداخت و در جریان آن، امام سجاد علیه السلام حجرالاسود را در جایگاهش نهاد. (قطب‌راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۶۸) روایت شده که در مناقشه محمد بن حنفیه با امام سجاد علیه السلام،

حجرالاسود با آن حضرت سخن گفته و گواهی داده که امامت پس از امام حسین علیه السلام بدو رسیده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۱، ص ۳۴۸) در روایتی نیز نقل شده که امام زمان (عج) پس از ظهور، بر حجرالاسود تکیه کرده و با مردم بیعت می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۴، ص ۱۸۵)

برخورد امام با طاغوت در ایام حج

یکی از فرازهای تاریخی معروف که نشانگر آمیختگی سیاست با حج است، ماجرای برخورد امام سجاد علیه السلام با هشام بن عبد الملک در کنار کعبه هنگام مراسم حج است. در عصر خلافت عبدالملک بن مروان، پسرش هشام برای انجام مراسم حج، وارد مکه شد، او هنگام طواف، خواست حجر را استلام کند، ولی بر اثر ازدحام جمعیت نتوانست.

منبری برای هشام نهادند، وی بالای آن رفت و به تماشای طواف کنندگان پرداخت، ناگاه دید امام سجاد علیه السلام به طواف کعبه مشغول است، وقتی که خواست، حجرالاسود را استلام کند، مردم با کمال احترام، برای او راه باز کردند، او به راحتی، حجر را استلام نمود. یک شامی گفت: این شخص کیست که این گونه مورد احترام مردم است؟ هشام، خود را به نادانی زد و گفت: نمی‌شناسم. فرزدق به آن مرد شامی گفت: **وَلَكِنِّي أَعْرِفُهُ؛** و وی در معرفی امام سجاد علیه السلام قصیده معروف خود را خواند. قصیده با این مطلع آغاز می‌گردد:

هَذَا الَّذِي نَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَائَهُ وَ الْبَيْتِ يَعْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْحَرَمُ

(ابن کثیر، ۱۴۰۷، ق، ج ۸، ص ۲۲، مستوفی، ۱۳۶۴، ش، ص ۷۱۰، اربلی، ۱۴۲۱، ق، ج ۲، ص ۸۰، مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۶، ص ۱۲۷)

امام سجاد علیه السلام هنگام طواف کعبه، به شوکت هشام، اعتنا نکرد. عمل فرزدق در آنجا کاملاً جنبه سیاسی داشت. امام فرزدق را ستود و از او دلجویی کرد و برایش دعا

نمود و برایش دوازده هزار درهم فرستاد و به نیت پاک او ارج نهاد و او را کاملاً تأیید نمود. آیا این تأیید و این صحنه، بیانگر آن نیست که مطرح کردن مسائل سیاسی در کنار عبادت پرشکوه حج، محبوب و مقبول امامان معصوم بوده است؟

برگزاری مراسمات عزا در ایام حج

کسانی که بعدها تاریخ زندگی ائمه را ثبت کرده‌اند از کنار این اقدام بزرگ به غفلت گذشته‌اند. روایت شده که امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم به من فرمود: «ای جعفر! ۸۰۰ درهم از اموال مرا وقف گریه کنندگان کن تا ده سال در سرزمین منی، هنگام اعمال منی برای من گریه کنند». (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰ ش، ۲۲۶)

از آنجایی که هزاران فرد از سراسر نقاط دنیا در ایام حج در مکه جمع می‌شوند و اگر پیامی باشد که می‌باید به همه جهان اسلام رسانده شود، فرصتی از این مناسب‌تر نیست. امام دستور دادند در سرزمین منی برای آن حضرت عزاداری کنند. ده‌ها استفهام و ابهام و در پی آن ده‌ها پرسش از طرف مردم مطرح می‌شد که این عزاداری برای چه کسی است و چرا انجام می‌شود، آیا دعوتی داشته؟ آیا برای خلیفه خطری بوده؟ آنگاه پاسخ از سوی صاحبان عزا و علمایی که آنجا حضور داشتند، انجام می‌شد. این است نقشه موفق امام باقر عليه السلام، نقشه جهاد پس از مرگ. (مقام معظم رهبری، دی ماه ۱۳۹۷، ص ۳۰۷)

مبارزه با اسرائیلیات

یهودیانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، می‌کوشیدند برتری بیت المقدس بر کعبه را به مسلمانان بقبولانند. از این رو اقدام به جعل احادیث نموده و آنها را به طور گسترده در میان مسلمانان رواج می‌دادند. ائمه عليهم السلام نیز با تعابیری شبیه به «لا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۵۳۲) تلاش داشتند نگذارند فرهنگ مسلمانان از بین برود.

در همین باره امام باقر علیه السلام در برابر عاصم بن عمر که به امام گفت: کعب الاحبار می گوید: «إِنَّ الْكَعْبَةَ تَسْجُدُ لِبَيْتِ الْمَقْدِسِ فِي كُلِّ غَدَاةٍ» فرمودند: «كَذَبْتَ وَكَذَبَ كَعْبُ الْأَحْبَارِ مَعَكَ». سپس با ناراحتی فرمودند: «مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بَقْعَةً فِي الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهَا» و اشاره به کعبه کردند. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۳۹، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶، ص ۳۵۴)

ائمه معصوم علیهم السلام و امارت حاج

مسعودی، فهرستی طولانی از کسانی را که از زمان حیات پیغمبر تا سال ۳۵۰ هجری امارت حج را برعهده داشتند، ثبت کرده است.

با حاکمیت خلفای اموی و عباسی، ائمه اطهار علیهم السلام، به لحاظ عدم بسط ید، در امر عزل و نصب امیرالحاج دخالت نداشتند. انزوای آنان در جامعه، به خصوص در بعضی از مقاطع تاریخ و عدم دخالت در امور حکومت، باز هم حکام و خلفا را راضی نمی کرد. خلفا از اینکه ائمه به لحاظ شخصیت والای علمی و معنوی مورد توجه و محبت مردم بودند، نگران بودند.

در عین حال، پیشوایان معصوم به همراه مردم در سفر حج حضور داشتند و مناسک حج را به جا می آوردند و مخالفتی از سوی آنان در رابطه با امرای حج نقل نشده است؛ چرا که اساس و پایه مشروعیت خلفا مورد اشکال است و امیرالحاج تنها نماینده خلیفه در موسم حج است. حتی در پاره ای از موارد، تأیید نسبی آنان به معنای آنکه حجاج بیت الله الحرام در امر حج به هر حال امیری دارند و باید برای نظم در امور تابع او باشند، استفاده می شود. (حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۳۷۵)

تدابیر ائمه علیهم السلام در مواجهه با مشکلات

تقیه

«تقیه» برگرفته از ریشه «وقی» به معنای پوشاندن، حفظ کردن، پرهیز کردن و برحذر داشتن است و در اصطلاح، عبارت است از موافقت در گفتار یا رفتار با مخالفان برای پیشگیری از زیان.

تقیه یکی از اصولی ترین سپرهایی است که شیعه و ائمه علیهم السلام در پناه آن خود را در دوران‌های سیاه استبداد اموی و عباسی در امنیت نگاه داشت. امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کردند که فرمودند: «تقیه دین من و دین پدران من است، کسی که تقیه ندارد، دین ندارد». (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۱۹، ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۹۵)

هدف از تقیه، به فرموده امام صادق علیه السلام حفظ مذهب از گزند مخالفان است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۴۶۱) همین تقیه، جزء دین شمرده شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۴۶۴-۴۶۵) هدف از تقیه خوفی، حفظ جان و مال خود یا دیگران است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۱۹۴، الشوشتری، ۱۳۶۷ ق، ص ۳۱، سلیمانی آشتیانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۳۵۷)

- تمایز شیعه از فرق اسلامی در تقیه: علت تمایز شیعه از دیگر فرقه‌های اسلامی در مسئله تقیه، ابتلای امامان و پیروان آنها در دوران حاکمان ستمگر به انواع فشارها و سختگیری‌ها بوده است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۱، ص ۴۴، ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ص ۲۹۳) آنها چاره‌ای جز عمل به تقیه نداشتند.

در روایات شیعه، هم مشروعیت تقیه و هم اهداف و شروط آن بررسی شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۱۷-۲۲۴، حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۴۷۵، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۲، ص ۳۹۳)

ابوعمر العجمی نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «ای اباعمر، نه دهم دین در تقیه است، دین ندارد کسی که تقیه نکند و تقیه در همه چیز رواست جز در نوشیدن نیبذ و مسح برکفش‌ها». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۹۳)

امامان شیعیان بیش از ۲۰۰ سال گرفتار تقیه بودند و بر پایه حکم امیرانِ حاج حاکمان، حج می‌گزاردند. بی‌تردید گاهی برای امامان، رؤیت هلال ثابت نمی‌شد و یوم‌الشک بود و زمانی نیز به عکس؛ ولی آنان اعمال حج را جداگانه یا پنهانی انجام نمی‌دادند. (بحرانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۹۶، مکارم، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۶۲)

ناتمام گذاردن حج

یکی از مورد بحث‌ترین و سیاسی‌ترین مسائل موجود در حج که امام حسین علیه السلام در مواجهه با مشکلات موجود، از خود نشان دادند، حج ناتمام امام است.

توقف امام حسین علیه السلام در مکه، به سال ۶۰ هجری و گفتگو با شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی آن روز، همچنین ترک مکه در روز هشتم ذی‌حجه و حرکت به سوی عراق، در حالی که زائران بیت‌الله الحرام برای انجام مناسک حج تمتع مُحرم شده و به سمت عرفات حرکت می‌کردند، از اقدامات قابل توجه امام به شمار می‌آید. (میقات حج، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، ج ۴۲، ص ۳۷)

امام خمینی (ره) در این باره می‌گویند: «وقتی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود، تمام حرکات آن حضرت حرکات سیاسی بود؛ و این حرکت، حرکتی اسلامی-سیاسی بود که بنی‌امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود اسلام پایمال شده بود». (امام خمینی، ج ۱۸، ص ۱۴۰)

در هنگام اقامت آن جناب گروهی از مردمان حجاز و بصره پیرامون آن حضرت اجتماع کرده بودند، حضرت سیدالشهداء علیه السلام روز خروج مسلم در کوفه، روز ۸ ذی

الحجّه/ده سپتامبر ۶۸۰ [۱۹ شهریور] مکه را ترک کرد. (جعفری، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۱۹) از مکه به طرف عراق حرکت کردند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۲۴۶) زیرا بیم داشتند بنی امیه ایشان را دستگیر کرده و به شام بفرستند. (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۲۵)

طبری و مآخذ دیگر، به نقل از شخص حسین علیه السلام روایت می کنند که حکومت اموی، عده ای از سربازان را در لباس حجاج به مکه فرستاده بود تا ایشان را دستگیر کنند یا حتی به جان او سوء قصد نمایند. (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۲۷۸، یعقوبی، بی تا، ج ۲، ۲۴۹، ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۶۷، مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۹)

فرزدق گوید: من برای حج بیت الله عازم مکه بودم، در هنگام دخول حرم، حسین بن علی را دیدم که از حرم خارج می شد، ایشان فرمود: اگر در خروج از مکه عجله نکنم مرا خواهند گرفت. (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۲۶)

- خروج امام امری سیاسی بود: کار امام حسین علیه السلام هم جنبه حفظ قداست حرم الهی را داشت و هم نمی خواست در ایام حج و در بیت الله الحرام خودش ریخته شود و هم با بیرون شدن از مکه، در روزی که همه از هرسو به مکه آمده و عازم عرفات اند، نوعی بیدارگری در وجدانها و ایجاد سؤال در ذهنهاست و به این صورت، خبر خروج اعتراض آمیز وی برضد حکومت، توسط حاجیانی که از هر جا آمده اند و اینکه آن حضرت، در حرم امن الهی هم امنیت و مصونیت ندارد، همه جا پخش می شد و این نوعی مبارزه تبلیغاتی برضد یزید بود.

در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت می دانست که نخواهند گذاشت حج را تمام کند، احرام به عمره مفرده بست و عمره را به اتمام رسانید (الحلی، ۱۴۰۶، ص ۳۸. مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۷) و در روز

هشتم ماه ذی حجّه از مکه بیرون رفت. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۷۳) بعضی گفته‌اند که در روز عرفه خارج شدند. (المجلسی، ۱۳۸۲، ص ۶۲۴)

عدم دانایی دینی مردم

در عصر امام سجاد علیه السلام، ارزش‌های اسلامی به نازل‌ترین حد خود رسیده بود. تنها نام اسلام باقی مانده بود که آن هم به جهت جلب قدرت، نام برده می‌شد و کسی را رغبت بر دانستن دستورات آن نبود.

زهری می‌گوید: «در شام نزد انس بن مالک رفتم، او را گریان دیدم. وقتی علت را پرسیدم، گفت: از همه آنچه از اسلام فراگرفتم، تنها نماز مانده بود و اکنون آن نیز از بین رفته است». (جعفر مرتضی‌العاملی، ۱۴۰۰ ق، ج ۱، ص ۵۶)

مسائل اسلامی آن چنان نابود شده بود که برخی می‌گویند: در عصر امام سجاد علیه السلام حتی «بنی هاشم» نماز خواندن را نمی‌دانستند و از اصول حج و دیگر دستورات دینی بی‌خبر بودند. (پیشوایی، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۶۹) می‌گفتند اگر پیغمبر صلی الله علیه و آله دوباره بازگردد، از میان آنچه تعلیم داده است، جز «قبله» را نخواهد شناخت. (جعفر مرتضی‌العاملی، ج ۱، ص ۵۷)

صدای غنا و لهو و لعب در همه کوچه‌های مدینه شنیده می‌شد. عمر بن ابی ربیعہ مخزومی که شاعری لهوگو بود، اشعاری در وصف اندام زنان می‌سرود^۱ (ابن هشام انصاری، ص ۲۰) و پس از چند روز، آن سروده‌ها نقل مجالس می‌شد. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۶۳ م، ج ۹، ص ۵۴) وقتی از دنیا رفت در مدینه عزای عمومی شد. (مقام معظم رهبری، دی ماه ۱۳۹۷، ص ۲۳۳) محیط مدینه به گونه‌ای بود که نه

۱. فوالله ما أدری و إن كنتُ دارياً * یسبح رَمَیْنِ الجَمَرِ أمِ بَشَمَانِ
بدا لی مِنها مِعصَمٌ حینَ جَمَرْت * وَ كَفَّصَ حَصِیْبٌ رُیْنَتِ بِنَانِ.

عالمان، مفسد را ناروا می‌شمردند و نه زاهدان از آن جلوگیری می‌کردند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۶۳ م، ج ۸، ص ۳۸۴)

این در حالی است که وقتی امام علیه‌السلام قصد مسافرت به حج می‌فرمود قاریان و دانشمندان اطراف آن حضرت را می‌گرفتند زیرا که از دریای علوم و معارف و حکمت‌ها و آداب آن بزرگوار بهره‌مند می‌شدند. (القرشی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۳۸)

شیعیان، قبل از امام باقر علیه‌السلام مناسک حج و حلال و حرام خود را نمی‌شناختند تا آنکه امام باقر علیه‌السلام شناخت این احکام را به روی آنها گشود و مناسک حج را برای آنها بیان کرد، به گونه‌ای که مردم در بیان احکام، به شیعیان نیازمند شدند، بعد از آنکه شیعیان در این جهت به آنها نیاز داشتند. (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۰۶)

پرورش دانشمندان اسلامی

پرورش دانشمندان اسلامی بر مبنای مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و فرستادن آنان به شهرها برای ارائه درست تعالیم اسلامی و در نتیجه، خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در ارائه چهره‌ای منفی از اهل بیت علیهم‌السلام یکی دیگر از فعالیت ائمه علیهم‌السلام در ایام حج بوده است. در منابع است که قراء به سوی مکه راه نمی‌افتادند تا آن که امام سجاد علیه‌السلام خارج شود و آنگاه به دنبال ایشان هزاران سواره راه می‌افتاد. (کشی، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۱۷)

امام پنجم برای تحقق این اهداف، بیش از هر چیز به امر تعلیم و برپایی حلقه‌های مذاکره علمی اهتمام داشتند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمودند که مردم پیش از عصر ابو جعفر الباقر علیه‌السلام، از دین درست چیزی نمی‌دانستند؛ نه از مناسک حج و نه از حلال و حرام؛ تا آنکه ایشان معارف دینی را منتشر کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۰).
تقی زاده داوری، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۶۹

مجادله و مباحثه در ایام حج

یکی از فعالیت‌های فراوان و بارز ائمه علیهم‌السلام در ایام حج، مناظرات و مباحثات دینی با افراد و سران فرقه‌ها بوده است به گونه‌ای که ائمه علیهم‌السلام بخشی از فعالیت‌های ایام حج را به این امر می‌گذرانده‌اند.

آن چه از حالات ایشان در ایام حج به دست می‌آید، حالت خضوع در مقابل خداوند متعال است، اما این حالت باعث نشده بود که با انحرافات و افکار غلط مبارزه نکنند.

از همین نمونه است مجادله امام حسین علیه‌السلام با معاویه (طبرسی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۱۲۴) و یا مجادله امام صادق علیه‌السلام با ابن ابی العوجاء در دو سال در مکه (کلینی، کافی ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۱۰۰) که باعث ترس و لرز ابن ابی العوجاء شد که در نهایت به مرگ وی انجامید. (طبرسی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۱۹۴) مناظره امام باقر علیه‌السلام با نافع (غلام عمر بن خطاب) در کنار رکن کعبه که در مقابل هشام بن عبد الملک و مردم که باعث شکست مفتضحانه نافع شد و وی اقرار کرد که امام علیه‌السلام داناترین مردم و فرزند رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. (الطبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۲۵)

تلاش برای برطرف کردن مشکلات مسلمین

در کتب روایی ما درباره کمک‌های مالی اهل بیت علیهم‌السلام در ایام حج سخنان بسیاری وارد شده است؛ اما همواره کمک‌ها مالی نبود بلکه کمک معنوی و حمایتی نیز رؤیت شده است. همچون روایتی که کلینی از مردی از دودمان بنی حنیفه از اهالی بُست - شهری در سجستان بین سیستان و غزنین (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۰، ص ۸۶) روایت می‌کند که وی از جواد الائمه علیه‌السلام درخواست دارد که امام نامه‌ای به والی سرزمینش بنویسد تا مالیات کمتری شامل حالش شود، امام نیز نامه‌ای نوشتند و والی دستور امام را انجام داد. (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۱۲)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر حاکی از آن است که فریضه عبادی - سیاسی حج نزد ائمه علیهم‌السلام از پر اهمیت ترین عبادات اسلامی بوده است؛ زیرا حج تنها عبادتی بود که در آن مسلمین از تمام نقاط اسلامی حضور مستقیم داشتند. با توجه به آن که پس از نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حکومت ظاهری اسلامی، جز در مدت کوتاهی از دست ائمه علیهم‌السلام خارج بوده و آنها نمی‌توانستند مستقیم در تصمیم‌گیری‌های امور مربوط به فریضه حج نقش داشته باشند، تلاش خویش را معطوف به انجام فعالیت‌های مؤثری در راستای حج نمودند. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در دوره‌های اولیه پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دنبال احیای سنت آن حضرت بودند و پس از به خلافت رسیدن سر و سامانی به امور شهر مکه داده و سعی بر معنوی کردن این عبادت نمودند. پس از آن رویکرد ائمه علیهم‌السلام تغییر یافت، ایشان در گفتارشان و همچنین به صورت ویژه در سیره عملی خویش به تبیین معارف حج و نقش امام در اسلام و انجام عبادات پرداختند. از آن جا که حکام بنی امیه و بنی عباس توجه فراوانی به شهر مکه و عمارت آن و فراهم نمودن امکانات برای این شهر داشتند و همچنین وضعیت این شهر را به ویژه در ایام حج برای بقاء حکومت خود لازم می‌دانستند، اهتمام خود را برای نشان دادن حسن نیتشان به این شهر و این عبادت نشان می‌دادند. به همین دلیل بود که آنان اهل بیت علیهم‌السلام را در این کنگره عظیم تحت نظارت شدید قرار می‌دادند. اهل بیت نیز علاوه بر به کار گرفتن تقیه تا آن جا که ممکن بود از فرصت موجود استفاده می‌کردند. فعالیت‌های ائمه را می‌توان در این امور خلاصه کرد: بیان روایات در اهمیت و فضیلت و تشویق برای حضور در حج، تبیین پیوند امر امامت با حج و محور بودن امام در اعمال حج، حضور دائم در این عبادت آن هم با حالت خاضعانه و در بسیاری از مواقع به صورت پیاده، احیای سنت پیامبر، مخالفت صریح با اقدامات خلفا، تبیین

مقام و جایگاه امامت و معرفی خویش به عنوان اهل بیت واقعی پیامبر ﷺ، بیان احکام و فلسفه آنها، تربیت شاگردان و مباحثه با اهل جدل در انظار عمومی و تلاش فراوان برای برطرف کردن مشکلات مسلمین و به خصوص شیعیان.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

۱. ابن ابی الحدید، (۱۳۸۷ ق) شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء الکتب العربیه، بیروت.
۲. ابن اعثم، أبو محمد أحمد بن اعثم الکوفی (م ۳۱۴)، (۱۹۹۱/۱۴۱۱)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (صدوق) (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، ۳۸۱ ق، مصحح: غفاری، علی اکبر، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۴. _____ (۱۳۹۵ ق)، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: غفاری، علی اکبر، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، دو جلد.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق) دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق) مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (۵۸۸ ق)، چهار جلد، نشر علامه، قم.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ ق) إقبال الأعمال، (ط - القديمة)، ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ دوم.
۸. ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد، (۱۴۱۲/۱۹۹۲) الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ط الأولى.
۹. ابن عبدربه، (۱۳۸۴) العقد الفريد، دار الکتب العربی، بیروت.
۱۰. ابن عدیم، (۱۴۲۳ ق) ترجمه الإمام الحسین علیه السلام، یک جلد، دلیل ما، قم.
۱۱. ابن فارس، أحمد، (۱۴۰۴ ق) معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. ابن قولویه قمی، ۳۶۷ ق، (۱۳۵۶ ق) کامل الزیارات، دار المرتضویه، نجف.
۱۳. ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، (۱۹۸۶/۱۴۰۷) البداية و النهایه، بیروت، دار الفکر.
۱۴. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، ۸۴۱ ق، (۱۳۸۰ ش)، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)، مترجم: کرمی، علی، حاذقی، ایران، قم.
۱۵. ابن هشام انصاری، عبد الله بن یوسف، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، م ۷۶۱ ق.
۱۶. ازرقی، محمد بن عبدالله، (۱۳۶۹ ش) اخبار مکة و ماجاء فیها من الآثار، ج ۱، چاپ رشدی صالح ملحس، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
۱۷. اصبهانی، ابو نعیم، (۱۹۳۴ م) اخبار اصبهان، مؤسسه النصر، تهران، افست از روی چاپ لیدن.
۱۸. الأصفهانی، ابو الفرج علی بن الحسین، (۱۹۶۳ م) مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۱۹. _____، الاغانی، ج ۹.
۲۰. امین عاملی، سید محسن، أعیان الشیعة، (۱۴۰۳ ق)، ۱۱ جلد، دار التعارف، بیروت.

۲۱. الامینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، متوفی ۱۳۴۹ ش، (۱۴۱۶ ق) ۱۱ جلد، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه.
۲۲. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۳ ق) مدینه معاجز الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۱۱۰۷ ق، هشت جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم.
۲۳. بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه، (دی ماه ۱۳۹۷) انسان ۲۵۰ ساله، گرد آوری: صحبا، چاپ ۷۸، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
۲۴. پیشوایی، مهدی، (۱۳۷۴ ش) سیره پیشوایان، نگرشی بر زندگانی امامان معصوم علیهم السلام، با مقدمه آیت الله سبحانی، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، قم.
۲۵. تقی زاده داوری، محمود، (۱۳۸۵ ش) تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، مؤسسه شیعه‌شناسی، قم.
۲۶. حائری، جعفر عباس، بلاغه الامام علی بن الحسین.
۲۷. جعفر مرتضی‌العاملی، (۱۴۰۰ ق) دراسات و بحوث فی تاریخ الاسلام، ج ۱.
۲۸. جعفریان، (۱۳۸۷) رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم، انصاریان، چاپ یازدهم.
۲۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق) الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، ذیل ح مفردات ألفاظ القرآن، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره، چاپ افست بیروت.
۳۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۳۰ جلد، قم.
۳۱. حسین، جاسم، (۱۳۶۷ ش)، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، امیرکبیر، تهران.
۳۲. جعفری محمد حسین (۱۳۸۲ ش)، تشیع در مسیر تاریخ، مترجم سید محمد تقی آیت‌اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ یازدهم.
۳۳. حسین مطر، فوزیه، (۱۹۸۲/۱۴۰۲) تاریخ عمارة الحرم المکی الشریف الی نهائیه العصر العباسی الاول، جده.
۳۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق) تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۲۰۵ ق، مصحح: علی، هلالی و سیری، علی، ۲۰ جلد، دارالفکر.
۳۵. حلی، ابن نما، (۱۴۰۶ ق) مثیر الأحزان، ۸۴۱ ق، مدرسه الإمام المهدی (عج)، قم، چاپ سوم.
۳۶. الحمیری، ابو العباس جعفر بن عبدالله، قرب الاسناد، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران.
۳۷. حوزة نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشکده حج و زیارت، (۱۳۹۴ ش) حج در آینه فقه، ۳ جلد، مشعر - تهران - ایران.
۳۸. خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۴۲۳ ه ق)، ولایت فقیه، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چاپ دوازدهم.
۳۹. الخوارزمی، موفق بن احمد، (۱۴۱۱ ق) المناقب، خوارزمی، ۵۶۸ ق، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم.
۴۰. دیار بکری، شیخ حسین، (بی تا) تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس، ۹۶۶ ق، دو جلد، دار الصادر، بیروت.
۴۱. ذهبی، (۱۴۰۹ ق)، تاریخ ذهبی، ج ۴.
۴۲. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، ۴۰۱ ق، (۱۴۱۲ ق) مصحح: داوودی، صفوان عدنان، دار القلم - الدار الشامیه، بیروت - دمشق.
۴۳. رهبر، محمدتقی، (پاییز ۱۳۷۷) ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران.

۴۴. سلیمانی آشتیانی، مهدی، (۱۳۸۷ ش) درایتی، محمدحسین، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، قرن ۱۵، دو جلد، دار الحدیث، ایران؛ قم.
۴۵. السیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۱ ق) تاریخ الخلفاء، عبدالرحمن بن ابوبکر، ۸۴۹-۹۱۱ ق، بیروت، المكتبة العصرية.
۴۶. شوشتری، القاضی نور الله المرعشی التستری، متوفی ۱۰۱۹ ق، (۱۴۰۹ ق)، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ۳۴ جلد، چاپ اول، مكتبة آية الله المرعشی النجفی، قم.
۴۷. شوشتری، نور الله بن شریف‌الدین، (۱۳۵۸ ش)، الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، ۱۰۱۹ هـ. ق، مصحح: محدث، جلال‌الدین، مشعر، تهران- ایران.
۴۸. الصنعانی، عبدالرزاق بن همام، (بی تا)، الامالی فی آثار الصحابة، تحقیق السيد ابراهیم مجدی، مكتبة القرآن، قاهره.
۴۹. _____، (۱۳۹۲ ق) المصنف، تحقیق: حبيب الرحمان الاعظمی، بیروت.
۵۰. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، قرن ششم، ۲ جلد، مرتضی، مشهد.
۵۱. _____، (۱۳۷۱ ش) الإحتجاج علی أهل اللجاج/ ترجمه و شرح غفاری مازندرانی، احمد، مرتضوی، تهران، ۴ جلد.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۵۴۸ ق، (۱۳۹۰ ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، اسلامیه، تهران، چاپ سوم.
۵۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰) (۱۳۸۷/۱۹۶۷)، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية.
۵۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳ ق)، دلائل الإمامة، قرن پنجم، نشر بعثت، قم.
۵۵. عز‌الدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم المعروف بابن الأثیر (م ۶۳۰)، (۱۳۸۵/۱۹۶۵)، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر - دار بیروت.
۵۶. غفاری مازندرانی، احمد، (۱۳۷۱ ش) ترجمه و شرح الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ۴ جلد، مرتضوی، تهران.
۵۷. فخر رازی، محمد بن عمر، قرن ۶ (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج سوم.
۵۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، ۱۷۵ ق، ۹ جلد، نشر هجرت، قم، دوم.
۵۹. قرشی، باقر شریف، (۱۴۱۳ ق) حیاة الإمام موسی بن جعفر علیه السلام، معاصر، دو جلد، دار البلاغة، بیروت.
۶۰. _____، (۱۴۱۳ ق) حیاة الإمام محمد الباقر علیه السلام، معاصر، دو جلد، دار البلاغة، بیروت.
۶۱. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ ق) الخرائج و الجرائح، ۵۷۳ ق، مصحح: مؤسسه الإمام المهدی(عج)، قم.
۶۲. قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۰ ش)، الأنوار البهیه، مترجم محمد محمدی اشتهااردی، ناصر، قم، چاپ سوم.
۶۳. _____، مفاتیح الجنان، دعای عرفه.
۶۴. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ ق)، رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، نیمه اول قرن ۴ ق، مصحح: طوسی، محمد بن حسن / مصطفوی، حسن، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد.
۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ چهارم.
۶۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۹۳۳ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت.
۶۷. _____، (۱۳۸۲ ش)، جلاء العیون، یک جلد، سرور، قم، چاپ نهم.
۶۸. _____، (۱۳۹۸ ق)، زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، مترجم موسی خسروی، اسلامیه، چاپ دوم، تهران.

۶۹. مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد، (۱۳۶۴ ش)، تاریخ گزیده، تحقیق عبد الحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، چ سوم.
۷۰. المسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، (۱۴۰۹ ق)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ دوم.
۷۱. معروف الحسنی، هاشم، (۱۳۸۲)، سیره الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق، د جلد، المكتبة الحیدریة، نجف.
۷۲. مفید، محمد بن محمد، ۴۱۳ ق، (۱۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۲ جلد، کنگره شیخ مفید، قم.
۷۳. _____ (بی تا)، الإرشاد للمفید / ترجمه رسولی محلاتی سیدهاشم، دو جلد، اسلامیة، تهران، چ دوم.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ هـ ق)، القواعد الفقهیة، ۲ جلد، ناشر: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیهم السلام، چاپ سوم، قم.
۷۵. نعمتی، محمدرضا، (۱۴۱۶ ق)، حج الانبیاء و الائمه علیهم السلام، گردآورنده: سرشار، عباد الله، محقق: بعثه مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت. معاونت آموزش و تحقیقات، مشعر، قم- ایران.
۷۶. النمیری، ابوزید عمر بن شبّه، (۱۴۱۰ ق)، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، افست قم، دار الفکر.
۷۷. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۳۲۰ ق، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۲۸ جلد، ناشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
۷۸. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ ق)، کتاب سلیم بن قیس الیهالی، ۷۶ ق، مصحح انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ۲ جلد، نشر الهادی، ایران، قم.
۷۹. یعقوبی، (بی تا)، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی المعروف بالیعقوبی (م بعد ۲۹۲)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.

مجلات

۸۰. فصلنامه میقات حج- فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، جمعی از نویسندگان، ۹۲ جلدی، ناشر: سازمان حج و زیارت، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارات، تهران- ایران.